



چه کسانی با این اصطلاح سرو کار دارند؟

فرهنگ پذیری یک مفهوم بین رشته ای است که توسط محققان در انسان شناسی، علوم سیاسی، ارتباطات بین فرهنگی، جامعه شناسی و به ویژه مطالعات مهاجرت استفاده می شود. نویسندگان ادغام و امور پناهندگان از این مفهوم استفاده و به طور فعال در مورد آن بحث می کنند، چرا که این مفهوم به موضوعاتی مانند جوامع مهاجر و پس از مهاجرت، رابطه بین جمعیت بومی، مهاجر و شهروندی مرتبط است. کسانی که در روابط بین الملل فعال هستند از آن برای تأکید بر اشکال مختلف استعمار نو، امپریالیسم و مهاجرت معکوس استفاده می کنند.

ارتباط با گفتگوی بین فرهنگی

فرهنگ پذیری فرآیندی دوطرفه بین کسانی است که به یک فرهنگ جدید می پیوندند و کسانی که به طور بومی به آن تعلق دارند. همانند گفتگوی بین فرهنگی، فرهنگ پذیری می تواند در هر دو سطح گروهی و فردی اتفاق بیفتد و می تواند در نتیجه ارتباط حضوری یا از طریق هنر، ادبیات یا رسانه رخ دهد. با این حال،

فرهنگ پذیری (Acculturation)

نویسنده: فاطمه هیپلر

دکتری علوم اجتماعی و سیاسی،
موسسه هانا آرندت برای تحقیق
بر روی توتالیتاریسم، درسدن،
آلمان

تعریف

فرهنگ پذیری فرآیندی است که در آن یک فرد یا گروه از نظر اجتماعی، روانی و فرهنگی در زمانی که وارد یک فرهنگ جدید می شود، تغییر می کند و آن را با فرهنگ به همراه آورده متعادل می نماید. فرهنگ پذیری به معنای پذیرش عناصری (دانش، ارزش ها، هنجارها، نهادها، مهارت ها، تکنیک ها، عادات، باورها، زبان) از فرهنگ جامعه جدید یا مقصد است. نحوه انطباق مردم با جامعه جدید را می توان در چهار دسته قرار داد: همگون سازی (پذیرش فرهنگ جدید و کنار گذاشتن فرهنگ به همراه آورده)، جداسازی (فرهنگ جدید را رد می کنند و فرهنگ به همراه آورده را حفظ می کنند)، ادغام (پذیرش فرهنگ جدید و حفظ فرهنگ به همراه آورده)، به حاشیه روی (رد هر دو فرهنگ).



acculturation. *International Journal of Intercultural Relations*, 60, 67-82.

Mesoudi, A. (2018). Migration, acculturation, and the maintenance of between-group cultural variation. *PLOS One*, 13(10), e0205573.

مترجم: فاطمه هیپلر

فرهنگ پذیری شرایط مساوی را برای شرکت کنندگان فراهم نمی کند. به عنوان مثال، در مورد جوامع مهاجر، معمولاً گروه های مهاجر از نظر فرهنگی یا قومی از اکثریت محلی متمایز هستند، بنابراین از آنها انتظار می رود که خود را با فرهنگ جدید تطابق بدهند، نه برعکس.

آنچه می ماند

کار بیشتری باید روی به اصطلاح شاخص ها یا عناصر پذیرش فرهنگ پذیری انجام شود، به عنوان مثال، چگونگی ایجاد انگیزه مؤثر در مهاجران برای اتخاذ مهارت ها و هنجارهای محلی. علاوه بر این، نیاز است بر روی موانع موجود در جامعه مقصد نیز تحقیقات بیشتری صورت گیرد. همچنین مهم است که موفقیت درونی (که شامل طرز فکر مثبت، عزت نفس بالا، آرامش درونی است) و نه فقط مادی افراد و گروه ها در یک فرآیند فرهنگ پذیری بررسی شود.

منابع

Berry, J. W. (1997). Immigration, acculturation, and adaptation. *Applied Psychology*, 46(1), 5-68.

Haugen, I., & Kunst, J. R. (2017). A two-way process? A qualitative and quantitative investigation of majority members'